نامه‏ی نصر اللّه انتظام‏ به وزیر امور خارجه

مجید مهران

1-درآمد

در میان اسنادی که در«مؤسسه‏ی مطالعات تاریخ معاصر ایران» نگاهداری می‏شود،به نامه‏ای دسترسی پیدا کردم که مرحوم نصر الله‏ انتظام،سفیر ایران در پاریس،در سال 1338 به وزیر امور خارجه نوشته‏ است.ظاهرا دوره‏ای است که عباس آرام وزیر امور خارجه بوده است و برای انتظام،نگارش این نامه،که ضمن آن تقاضای رسیدگی به کمی‏ حقوق خود را کرده بود،خصوصا این‏که وزیر خارجه سال‏ها کارمند او بوده،خیلی دشوار بوده است و کسر شأن خود می‏دانست.

با توجه به گرانی هزینه‏ی زندگی در پاریس مسلما مبلغ دویست و چند لیره حقوق یک سفیر با وجود آمد و شدهای فراوانی که داشته است، حتا در آن زمان که در فرانسه تورم این‏قدر شدید نبوده،خیلی دور از واقعیت به نظر می‏رسد.

گویا دست‏هایی به تحریک مقامات بالا تلاش می‏کرده‏اند که نصر الله‏ انتظام را که زمانی رئیس مجمع عمومی سازمان ملل بوده و شخصیت‏ جهانی داشته است،در فشار مالی قرار دهند و او را چنان در عسرت‏ نگاه دارند،تا ناچار کناره‏گیری کند.

چون این نامه گوشه‏یی از بی‏عدالتی در آن دوران است و بی‏توجهی‏ دولت را به رجال کشور می‏رساند،از لحاظ ثبت در تاریخ فتوکپی این‏ سند تاریخی را به جنان پروفسور امین تقدیم می‏کنم،تا در صورت‏ تأیید امر به انتشار آن در ماهنامه‏ی حافظ دهند که موجب سپاس‏ فراوان خواهد بود.

2-متن نامه

جناب آقای وزیر امور خارجه

درست دو سال است که به پاریس آمده‏ام.قبل از عزیمت به‏ مأموریت-چون مانند دیگران عادت به این‏که وقت را صرف مداقه در بودجه و تقاضای اعتبارات اضافی کنم،نداشتم-مدت توقف در تهران‏ را به مطلعه‏ی اموری که در فرانسه داشتیم،گذراندم.پس از ورود به‏ پاریس که بودجه‏ی سفارت کبری رسید،متوجه شدم مقرری بنده‏ ماهی دویست و چند لیره است.برخلاف گذشته به عنوان ریاست‏ مأموریت،از سی درصدی که به مأمورین مجرد هم تعلق می‏گیرد، محروم مانده‏ام.به تصوّر این‏که شاید اشتباهی دست داده باشد شرحی‏ به دلاوری حسابداری وزارت خارجه نوشتم و تذکّر دادم اگر واقعا مقرری همین باشد،ماندن در پاریس برای من میّسر نیست.

وزیر امور خارجه‏ی وقت و اولیای وزارت‏خانه مرا مطمئن ساختند که چون در بین سفراء کبار دو سفیر مجرّد بیش نیست(که یکی‏ از آن دو نفر خود جنابعالی بودید)راهی در بودجه پیش‏بینی شده و همین که از تصویب مجلس بگذرد،موضوع تأمین خواهد شد.

بودجه‏ی سال 1337 از تصویب گذشت و خبر از اضافه نشد. به طور خصوصی مراجعه کردم و تصمیم به کناره‏گیری خود را تکرار کردم.جواب آمد متأسفانه آن پیشنهاد،به تصویب نرسید،ولی در بودجه‏ی سال جاری حقوق سفراء کبار بر پایه‏ی خاصی قرار گرفته که‏ منظور را تأمین می‏نماید.

دو ماه قبل که به تهران رفتم و آن وعده را خاطر نشان نمودم،باز به عذر این‏که وزارت دارایی موافقت نکرده جواب یأس شنیدم.چون‏ در آن زمان به امر مطاع همایونی،لازم بود فورا به پاریس برگردم و جناب عالی هم تشریف نداشتید،مذاکره راجع به اضافه حقوق را کسر شأن خود دانستم ولی مصمم بودم همین که کارهایی که داشتیم‏ انجام شود،تقاضا کنم مرا معاف فرمایید.

برای این‏که تصور نفرمایید این نامه را بی‏مطالعه و یا به صورت‏ اعتراض عرض می‏کنم،لازم است توضیحی بدهم:

اول-در هیچ‏یک از ادوار حتا در زمانی که بودجه‏ی وزارت‏ امور خارجه بسیار ناچیز و هنوز اضافات چند میلیونی که شش سال‏ قبل به تصویب رسید نگذشته بود،باز سفراء کبار مجرّد،سی درصد بیش از مقرری امروز دریافت می‏داشتند و هنوز هم بر ما معلوم نیست‏ که اساس حقوق را بر چه پایه‏ای قرار دادند که به جای افزایش،مقرری‏ امثال بنده،کسر شد.

دوم-در ادوار عسرت و تنگ‏دستی یعنی زمانی که کارمندان با آن‏ ذلتی که جناب عالی و بنده ناظر آن بودیم،زندگی می‏کردند،بر رؤسای‏ مأموریت فرض بود که به متابعت از دیگران تحکّل و بردباری نشان‏ دهند ولی امروز که بحمد الله نعمت فراوان و در همین شهر پاریس‏ کسانی هستند که به عناوین مختلف نا معلوم چند برابر مقرری سفرای‏ کبار می‏گیرند دیگر دلیل ندارد بنده به تنهایی مظهر قناعت و فداکاری‏ باشم.

باری چون بنده کسی نیستم که هر روز به این و آن راجع به حقوق‏ خود مراجعه کنم و عادت وزارت‏خانه هم بر این جاری‏ست که جز به‏ فشار یا تکدی احقاق حقی را نمی‏نماید،چنان که هر روز اعتبار بر سفارت‏خانه‏یی که کاری ندارند افزوده می‏شود و نسبت به آن‏هایی‏ که هزاران توقع از آن‏ها دارند،توجهی نمی‏شود و به علاوه راهی‏ نم بینیم که وزارت مور خارجه بتواند منظور مرا تأمین کند برای‏ این‏که در آینده مجبور به نوشتن چنین نامه‏ای(که هم‏اکنون هم از نوشتن آن شرم دارم)نشوم،تمنای مخصوص دارم به هر نحوی که‏ خود جناب عالی صلاح بدانید،معافیت بنده را از پیشگاه مبارک‏ همایونی استدعا کنید.

بدیهی است هرچند مدتی که برای تعیین مأمور جدید لازم باشد با کمال افتخار در پاریس می‏نمایم و دیگر هم از این مقوله صحبتی‏ نمی‏کنم.

باز در پایان خواهشمندم که این اظهار را تعبیر بر هیچ رنجش یا اعتراض نفرمائید چه حقیقتا در این دو ساله از طرف مزارت امور خارجه‏ و سایر مقامات عالیه جز لطف و قدردانی چیزی ندیدم و اگر ماندن در پاریس برایم میسر بود،چنین استدعایی نمی‏نمودم.